تحقیقات حسابداری و حسابرسی، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۳۹، از صفحه ۲۱ تا ۳۶

اثر میانجی‌گری افشای داوطلبانه و کیفیت سود بر رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی

دکتر غلامحسین مهدوی[1]©
استاد حسابداری دانشگاه شیراز، ایران

دکتر غلامرضا رضایی[2]
دکتری حسابداری دانشگاه شیراز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۰ فروردین ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۳ خرداد ۱۳۹۵)

هدف این مقاله بررسی اثر میانجی‌گری افشای داوطلبانه و کیفیت سود بر رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی و عدم‌تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری این پژوهش را ۱۲۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد، که در طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفته است. از نرم‌افزارهای آماری SPSS نسخه ۱۹ و AMOS نسخه ۲۰ و روش تحلیل مسیر داده‌های به‌دست آمده مورد ارزیابی آماری قرار گرفتند. نتایج آزمون آماری فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین اندازه هیأت مدیره و عدم‌تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. هم‌چنین، بین اندازه هیأت مدیره با کیفیت سود و افشای داوطلبانه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. افزون‌بر این، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که رابطه بین استقلال هیأت مدیره با عدم‌تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و افشای داوطلبانه از لحاظ آماری معنادار نیست. بین افشای داوطلبانه و عدم‌تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معنادار وجود دارد اما بین کیفیت سود و عدم‌تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود ندارد. هم‌چنین، ترکیبی خطی از اندازه هیأت مدیره و افشای داوطلبانه، عدم‌تقارن اطلاعاتی را پیش‌بینی می‌کند. در نهایت، یافته‌ها نقش میانجی‌گری افشای داوطلبانه را در رابطه بین اندازه هیأت مدیره و عدم‌تقارن اطلاعاتی مورد تأیید قرار داد.

واژه‌های کلیدی: عدم‌تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود، افشای داوطلبانه، حاکمیت شرکتی.

© (نویسندهٔ مسئول)

[1] ghmahdavi@rose.shirazu.ac.ir

[2] rezaac.1990@yahoo.com

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

این مقاله به‌دنبال بررسی این موضوع است که چگونه کیفیت سود و افشای داوطلبانه بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و عدم‌تقارن اطلاعاتی تأثیر می‌گذارد. زیربنای اصلی مقاله بر مبنای این فرض استوار است که مدیریت شرکت راهبردهای افشای کلی شرکت را به روش‌های مختلفی تبیین می‌کند که گزارشگری مالی نیز زیرمجموعه‌ای از آن است. از این‌رو، افراد برون‌سازمانی کیفیت گزارشگری مالی شرکت را با توجه به شفافیت اطلاعات ارزیابی می‌کنند. بر اساس نظریه اقتصاد اطلاعات، تعامل بین اثرهای دو عامل زیر بر تصمیم‌های مدیریت شرکت برای افزایش کیفیت سود و افشای داوطلبانه تأثیر می‌گذارد:

۱. هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تحمل شده برای افشای اطلاعات؛

۲. منافع کسب شده ناشی از افشا برای شرکت و یا سهامداران آن [۳۶].

از این‌رو، بر اساس این استدلال که تصمیم‌گیری مدیران برای گزارش با کیفیت سود، بخشی از راهبرد گزارشگری کلی است این پژوهش این موضوع را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که آیا افشای اختیاری اطلاعات و کیفیت سود بر رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عدم‌تقارن اطلاعاتی در بازار سهام تأثیرگذار است؟ در مقایسه با پژوهش‌های پیشین در ایران، مطالعه حاضر از این دیدگاه دارای نوآوری است که رابطه بین افشای داوطلبانه و کیفیت سود و تأثیر آن بر عدم‌تقارن اطلاعاتی با در نظرگرفتن سازوکارهای حاکمیت شرکتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

از دیدگاه برخی از پژوهش‌گران تصمیم‌گیری مدیران برای گزارش با کیفیت بالای سود، جدای از راهبرد کلی گزارشگری به‌وسیله آن‌ها نیست [۱۸]. افزون‌بر این، به‌نظر می‌رسد که هیأت مدیره شرکت نقش مهمی در اجرای این راهبرد ایفا می‌کند. این گونه استدلال می‌شود که هم کیفیت سود و هم افشای داوطلبانه با کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی همراه است. هم‌چنین، کورمیر و همکاران [۱۸] اعتقاد دارند که صرف‌نظر از کیفیت سود، افشای داوطلبانه اطلاعات دارای نقش تعدیل‌کنندگی بر رابطه بین کیفیت سود و عدم‌تقارن اطلاعاتی است. در نهایت، ساختار حاکمیت شرکتی مؤثر با کیفیت سود بهتر و افشای داوطلبانه بیشتری همراه است.

ادبیات پژوهش

تقاضا برای افشای اطلاعات از عدم‌تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران در یک رابطه نمایندگی ناشی می‌شود. بر اساس نظریه اقتصادی، کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی در بازار سهام باعث افزایش نقدینگی و کاهش هزینه سرمایه می‌شود [۲۱]. شرکت ممکن است با ارائه سود با کیفیت بهتر و یا با افشای داوطلبانه اطلاعات، تصمیم به کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی بگیرد؛ البته اگر این اقدامات کم هزینه‌تر از به‌دست آوردن این چنین اطلاعاتی به‌وسیله خود سرمایه‌گذاران و سایر فعالان بازار باشد [۹، ۳۱، ۳۲ و ۳۳].

Archive of SID

www.SID.ir

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که افشای داوطلبانه، عدم‌تقارن اطلاعاتی در بازار سهام را کاهش می‌دهد [۱۱]. شواهد پژوهش‌های التردگه و همکاران [۲۳] و چانگ و همکاران [۱۷] نیز نشان‌دهنده آن است که افشای داوطلبانه باعث کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی می‌شود. هم‌چنین، بسیاری از مطالعات انجام شده از این ایده حمایت می‌کند که افشای بیشتر، هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد [۱۴، ۲۳ و ۲۹]. در پژوهش‌های پیشین به رابطه بین کیفیت سود و عدم‌تقارن اطلاعاتی در بازار نیز اشاره شده است. در بازار با نقدینگی بالا و سرمایه‌گذاران حرفه‌ای، اقلام تعهدی دارای ارزش مربوط‌تری نسبت به جریان‌های نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی است [۳۴ و ۳۷] و یا این که اقلام تعهدی مکمل جریان‌های وجوه نقد برای کمک به سرمایه‌گذاران در خصوص ارزیابی عملکرد شرکت است [۶ و ۱۵]. احمدپورکاسگری و عجم [۱] نشان دادند که کیفیت سود تأثیری بر عدم‌تقارن اطلاعاتی ندارد اما باتاچاریا و همکاران [۱۲] نشان داده‌اند که کیفیت سود پایین، عدم‌تقارن اطلاعاتی را در پی خواهد داشت. از این‌رو، انتظار می‌رود افشای داوطلبانه و کیفیت سود بالا، عدم‌تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران را کاهش دهد.

نظارت هیأت مدیره، اختیارات مدیریت را تحت تأثیر قرار داده و شرکت‌ها را ملزم به نشان دادن شفافیت بیشتر در اندازه‌گیری عملکرد سازمان و گزارشگری می‌کند [۲۲ و ۲۴]. هیأت مدیره مستقل به احتمال بسیار زیاد برای ارزیابی تصمیم‌ها و عملکرد سازمان نسبت به هیأت مدیره‌ای که اعضای آن از مدیران شرکت هستند، به‌گونه کاراتر عمل می‌کند [۱۰، ۲۵ و ۳۸]. چن و جاگی [۱۷] نیز در خصوص تأثیر حضور مدیران غیراجرایی مستقل در هیأت مدیره و اثر آن بر شفافیت مالی صحبت می‌کنند اما رحیمیان و همکاران [۴] و دستگیر و رسائیان [۳] در پژوهش‌های خود یافتند که بین استقلال هیأت مدیره و عدم‌تقارن اطلاعاتی رابطه‌ای وجود ندارد. ثقفی و صفرزاده [۲] و ستایش و همکاران [۵] نیز نشان دادند که استقلال هیأت مدیره بر کیفیت سود تأثیری ندارد اما کارامانو و وافیس [۳۰] نشان داده‌اند که شرکت‌های با وضعیت حاکمیت شرکتی مناسب و کارا، با احتمال بیشتری سودهای پیش‌بینی‌شده خود را به‌طور داوطلبانه افشا می‌کنند.

در خصوص اندازه هیأت مدیره شواهد ضد و نقیضی وجود دارد. طرفداران دیدگاه سهامداران، اعتقاد دارند که هیأت مدیره بزرگ‌تر امکان پردازش اطلاعات و کیفیت اطلاعات داده شده به‌وسیله مدیریت را افزایش می‌دهد [۸]؛ بنابراین، از این دیدگاه هیأت مدیره بزرگ‌تر، افزایش کیفیت سود و افشای داوطلبانه و در نهایت کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی را در پی خواهد داشت. با این وجود طرفداران نظریه نمایندگی استدلال می‌کنند که اندازه هیأت مدیره بزرگ‌تر، فرصت دستکاری اطلاعات به‌وسیله مدیریت را افزایش داده و باعث می‌شود تا اعضای هیأت مدیره در خصوص تصمیم‌های کنترلی به اتفاق‌نظر نرسند. بنابراین، از دیدگاه نظریه نمایندگی هیأت مدیره بزرگ‌تر منجر به کاهش کیفیت سود و افشای داوطلبانه و در نهایت افزایش عدم‌تقارن اطلاعاتی می‌شود. بنابراین، مطابق با دیدگاه کورمیر و همکاران [۱۹] سازوکارهای حاکمیت شرکتی رفتار افشای داوطلبانه اطلاعات و کیفیت سود را در پاسخ به عدم‌تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سرمایه‌گذاران، تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مجموع، با توجه به مطالب

Archive of SID

www.SID.ir

بالا انتظار می‌رود که وجود یک هیأت مدیره کارا و اثربخش، کیفیت سودهای گزارش شده و افشای داوطلبانه اطلاعات را افزایش داده و منجر به کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی شود.

افشای داوطلبانه اطلاعات به‌وسیله شرکت‌ها و کیفیت سود هر دو منوط به تصمیم‌های مدیریت است. فرانسیس و همکاران [۲۶] نشان دادند که شرکت‌های با کیفیت سود خوب، افشای داوطلبانه بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند. هم‌چنین، شواهد پژوهش لانگ و لاندهلم [۳۱] حاکی از آن است که کیفیت سود و افشای داوطلبانه اطلاعات به یکدیگر وابسته‌اند. هر یک از این مطالعات رابطه معناداری بین افشای داوطلبانه و کیفیت سود را گزارش کرده‌اند؛ این مهم گواه بر این موضوع است که تصمیم-گیری مدیریت برای گزارش‌کردن با کیفیت سود، جدای از افشای داوطلبانه اطلاعات نیست. در همین راستا، اغلب مطالعات پیشین یک رابطه مکمل بین کیفیت سود و افشای داوطلبانه را گزارش کرده‌اند [۱۹]. یافته‌های پژوهش لانگ و لاندهلم [۳۱]، بیانگر آن است که در شرکت‌هایی که کیفیت سود پایین است، مدیریت تمایل بیشتری برای افشای داوطلبانه اطلاعات دارد؛ آنان دلیل این امر را کاهش انگیزه برای جمع‌آوری اطلاعات خصوصی به‌وسیله افراد بیان کرده‌اند. بنابراین، با فرض وجود یک راهبرد افشای کلی، این احتمال وجود دارد که افراد فعال در بازار، کیفیت گزارشگری مالی شرکت را با توجه به افشای داوطلبانه آن ارزیابی کنند. در همین راستا، برخی از پژوهش‌های پیشین کیفیت سود و افشای داوطلبانه را متغیرهایی معرفی کرده‌اند که می‌تواند با ایجاد نقش میانجی‌گری بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی تأثیرگذار باشد [۱۹ و ۲۸].

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمّی است که از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌کند و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهش از قبل تعیین‌شده، انجام می‌شود. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها نیز از طریق نرم‌افزار تدبیرپرداز ۲ و سایت رسمی سازمان بورس اوراق بهادار گردآوری شده‌اند.

دوره مورد مطالعه، یک دوره زمانی هفت ساله بر اساس صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ است. شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. به‌علت وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه، سال مالی شرکت مورد مطالعه باید منتهی به پایان اسفند ماه هر سال بوده و طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱، تغییر سال مالی نداده باشد. افزون‌بر این، شرکت‌های مورد مطالعه نباید جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) باشند. با توجه به شرایط و اعمال محدودیت‌های یاد شده، تعداد ۱۲۴ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ به‌عنوان نمونه انتخاب شد.

در نهایت، داده‌های به‌دست آمده از شرکت‌های مورد مطالعه با نرم‌افزار Excel نسخه ۲۰۰۷ آماده و سپس به‌وسیله آزمون‌های تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه هم‌زمان و روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۱۹ و AMOS نسخه ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. هم‌چنین،

Archive of SID

www.SID.ir

برای تخمین نیکویی برازش کلی مدل از شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل-شده (AGFI)، باقیمانده ریشه مجذور میانگین (RMR) و شاخص هالتر (CN) استفاده شد.

متغیرهای پژوهش

کیفیت سود

در این پژوهش مشابه پژوهش‌های پیشین از کیفیت اقلام تعهدی اندازه‌گیری‌شده به‌وسیله مدل دیچاو و دیچو [۲۰] که بر اساس عملکرد اصلاح می‌شود، به‌عنوان معیار کیفیت سود استفاده شده است [۱۸]. مدل مورد استفاده به‌وسیله دیچاو و دیچو [۲۰] برای اندازه‌گیری کیفیت سود به‌شرح زیر است:

$$TCA_{i,t} = \varphi_0 + \varphi_1(CFO_{i,t-1} / Asset_{i,t}) + \varphi_2(CFO_{i,t} / Aseet_{i,t}) + \varphi_3(CFO_{i,t+1} / Asset_{i,t}) + \varepsilon_{i,t}$$ مدل (۱)

قدر مطلق مقدار باقیمانده (ε) در مدل رگرسیون بالا نشان‌دهنده کیفیت سود است. مقدار بالاتر باقیمانده، کیفیت پایین‌تر اقلام تعهدی را نشان می‌دهد. لازم به‌ذکر است که برای محاسبه کل اقلام تعهدی از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$TCA_{i,t} = (OI_{i,t} - CFO_{i,t}) / Asset_{i,t}$$ مدل (۲)

در مدل‌های بالا، $CFO_{i,t}$ نشان‌دهنده جریان‌های نقد عملیاتی، $Asset_{i,t}$ میانگین کل دارایی‌ها در ابتدا و انتهای سال، $TCA_{i,t}$ کل اقلام تعهدی و $OI_{i,t}$ سود عملیاتی است. برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که برآورد اقلام تعهدی اختیاری ممکن است به‌طور با اهمیتی تحت تأثیر عملکرد جاری و گذشته شرکت قرار گیرد [۱۸]. بنابراین، در این پژوهش نیز مشابه با پژوهش چوآنگ و همکاران [۱۸] بر مبنای روش کوتری و همکاران (۲۰۰۵)، از کیفیت اقلام تعهدی اصلاح‌شده برای کنترل اثرات عملکرد شرکت بر کیفیت اقلام تعهدی استفاده می‌شود. در این پژوهش بازده کل دارایی‌ها به‌صورت زیر محاسبه می-شود:

$$ROA_{i,t} = NI_{i,t} / TAS_{i,t}$$ مدل (۳)

در مدل بالا، $TAS_{i,t}$ کل دارایی‌ها، $NI_{i,t}$ سود خالص و $ROA_{i,t}$ بازده کل دارایی‌ها است.

عدم‌تقارن اطلاعاتی

برای سنجش عدم‌تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، از مدل طراحی شده به‌وسیله ونکاتش و چیانگ [۳۵] برای تعیین دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام استفاده شد. در پژوهش فو و همکاران [۲۷] نیز برای اندازه‌گیری عدم‌تقارن اطلاعاتی، از این مدل بهره گرفته شده است. مدل یاد شده به‌شرح زیر است:

$$SPREAD_{it} = (AP_{it}-PB_{it}) \times 100 / (AP_{it}+PB_{it}) \div 2$$ مدل (۴)

که در آن $SPREAD_{it}$، دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام؛ AP_{it}، میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام i در دوره‌ی t؛ و BP_{it}، میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در

Archive of SID

www.SID.ir

دوره‌ی t، است. طبق مدل بالا، هرچه دامنه‌ی تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام عدد بزرگ‌تری باشد، عدم‌تقارن اطلاعاتی نیز بیشتر است.

افشای داوطلبانه

در این پژوهش، سطح افشای داوطلبانه بر اساس شاخص‌های پیشنهادی به‌وسیله بوتوسان [۱۳]، برگرفته از نظرات کمیته جنکینز، اندازه‌گیری می‌شود. در مدل بوتوسان، شاخص‌های مورد استفاده از طریق گزارش‌های راهبری شرکتی و نیز ارقام رتبه‌بندی شرکت‌های آمریکایی استخراج شده بود. به‌دلیل نبود موارد مذکور در ایران، و با توجه به این که سازمان حسابرسی کتابچه‌ای با عنوان نمونه گزارشگری منتشر کرده و شرکت‌ها در تهیه و گزارش اطلاعات به شاخص‌های مندرج در آن تکیه می‌کنند، این امر امکان افشای اطلاعات داوطلبانه در متن صورت‌های مالی را محدود کرده است. بنابراین، برای استخراج شاخص‌های افشای داوطلبانه اطلاعات به گزارش فعالیت هیأت مدیره شرکت‌ها اتکا خواهد شد. در نهایت، برای اندازه‌گیری سطح افشای داوطلبانه، پرسش‌نامه تعدیل‌شده بوتوسان که به‌وسیله کاشانی‌پور و همکاران [۷] تنظیم شده است، مورد استفاده قرار خواهد گرفت. شاخص‌ها پس از بررسی از نظر الزامی نبودن مطابق استانداردهای حسابداری یا قانونی در شش بخش کلی شامل پیشینه اطلاعاتی، خلاصه‌ای از نتایج تاریخی مهم، آماره‌های اصلی غیرمالی، اطلاعات بخش‌ها، اطلاعات پیش‌بینی، بحث و تحلیل مدیریت تعیین شد. امتیاز افشای داوطلبانه از تقسیم مجموع امتیاز حاصله از شش بخش بالا بر کل امتیاز قابل دریافت یعنی ۱۳۴ به‌دست می‌آید.

سیاست‌ها و خط‌مشی‌های افشای شرکت‌ها در طی سال‌های مختلف تا حدودی یکسان و پایدار است [۱۳]. در همین راستا، بوتوسان [۱۳] در پژوهش خود سطح افشای داوطلبانه را تنها برای سال مالی ۱۹۹۰ بررسی کرد. هم‌چنین، کاشانی‌پور و همکاران [۸] نیز برای تعیین سطح افشای داوطلبانه شرکت‌ها، تنها سال مالی ۱۳۸۵ را مورد مطالعه قرار دادند. بر همین اساس، در این پژوهش نیز برای جمع‌آوری اطلاعات سطح افشای داوطلبانه، تنها سال مالی ۱۳۹۰ مورد مطالعه قرار گرفته است.

حاکمیت شرکتی

در این پژوهش از متغیرهای استقلال و اندازه هیأت مدیره به‌عنوان معیارهای حاکمیت شرکتی استفاده شده است. نحوه اندازه‌گیری هر یک از این متغیرها به‌شرح زیر است:

استقلال هیأت مدیره: عبارت است از نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره. عضو غیرموظف هیأت مدیره، عضوی است که در شرکت مسئولیت اجرایی ندارد. این متغیر در پژوهش کورمیر و همکاران [۱۹] نیز استفاده شده است.

اندازه هیأت مدیره: عبارت است از تعداد افرادی که عضو هیأت مدیره شرکت هستند. این متغیر در پژوهش کورمیر و همکاران [۱۹] نیز استفاده شده است.

Archive of SID

www.SID.ir

فرضیه‌های پژوهش

در راستای دستیابی به هدف‌های پژوهش، با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر طراحی و تدوین شده است:

۱. بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی (استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره) و عدم‌تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی (استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره) و کیفیت سود و افشای داوطلبانه رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین کیفیت سود و افشای داوطلبانه با عدم‌تقارن اطلاعاتی با کنترل سازوکارهای حاکمیت شرکتی (استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره) رابطه معناداری وجود دارد.
۴. کیفیت سود و افشای داوطلبانه دارای نقش واسطه‌ای در رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی (استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره) و عدم‌تقارن اطلاعاتی است.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ ضرائب همبستگی مشاهده شده بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات این جدول، بین افشای داوطلبانه و عدم‌تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. هم‌چنین، شواهد مندرج در جدول شماره ۱ نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار بین افشای داوطلبانه و کیفیت سود است.

جدول ۱: ماتریس ضرایب همبستگی مشاهده شده بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	افشای داوطلبانه	عدم‌تقارن اطلاعاتی	کیفیت سود	استقلال هیأت مدیره	اندازه هیأت مدیره
افشای داوطلبانه	۱				
عدم‌تقارن اطلاعاتی	-۰/۲۹۴**	۱			
کیفیت سود	۰/۲۷۱**	-۰/۲۴۷**	۱		
استقلال هیأت مدیره	۰/۲۳۳**	-۰/۰۵۷	۰/۲۰۷*	۱	
اندازه هیأت مدیره	۰/۳۹۶**	-۰/۲۸۹**	۰/۶۴۶**	۰/۲۴۴**	۱

* سطح معناداری ۹۵ درصد ** سطح معناداری ۹۹ درصد

۱) پیش‌بینی عدم‌تقارن اطلاعاتی بر اساس سازوکارهای حاکمیت شرکتی

نتایج تحلیل‌ها به‌منظور بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی سازوکارهای حاکمیت شرکتی (استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره) بر میزان عدم‌تقارن اطلاعاتی در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود بر اساس نتایج به‌دست آمده می‌توان ۶/۸ درصد (R^2_{adj}=۰/۰۶۸) از واریانس متغیر عدم‌تقارن اطلاعاتی را از طریق سازوکارهای حاکمیت شرکتی (استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره) تبیین کرد. بر طبق نتایج مندرج در جدول شماره ۲، اندازه

Archive of SID

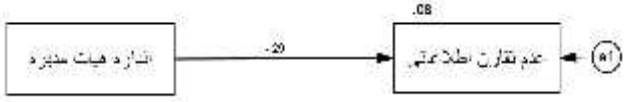
www.SID.ir

هیأت مدیره با ضریب بتای معادل (β=-۰/۲۹ و P=۰/۰۰۱) قادر به پیش‌بینی متغیر عدم‌تقارن اطلاعاتی است اما متغیر استقلال هیأت مدیره با ضریب بتای معادل (β=۰/۰۱ و P=۰/۸۷۲) قادر به پیش‌بینی متغیر عدم‌تقارن اطلاعاتی نیست. در شکل شماره ۱ مدل اصلاح شده تأثیر متغیر برون‌زا (سازوکارهای حاکمیت شرکتی) بر متغیر درون‌زای نهایی (عدم‌تقارن اطلاعاتی) بر اساس نتایج معالات ساختاری نشان داده شده است.

جدول ۲: ضرایب تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی عدم‌تقارن اطلاعاتی بر اساس سازوکارهای حاکمیت شرکتی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	B	β	T	P	R	R^2_{adj}
عدم‌تقارن اطلاعاتی	عرض از مبدأ	۸۷/۴۸	-	۵/۱۱	۰/۰۰۰۵	۰/۲۸۹	۰/۰۶۸
	استقلال هیأت مدیره	۱/۳۰	۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۸۷۲		
	اندازه هیأت مدیره	-۱۰/۹۵	-۰/۲۹	-۳/۲۶	۰/۰۰۱		

شکل ۱: نمودار مدل اصلاح شده‌ی مسیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی به عدم‌تقارن اطلاعاتی



۲) پیش‌بینی کیفیت سود و افشای داوطلبانه بر اساس سازوکارهای حاکمیت شرکتی

نتایج تحلیل‌ها به‌منظور بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر میزان کیفیت سود و افشای داوطلبانه در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود بر اساس نتایج به‌دست آمده می‌توان ۴۱ درصد (R^2_{adj}=۰/۴۱۰) از واریانس متغیر کیفیت سود و ۱۶/۳ درصد (R^2_{adj}=۰/۱۶۳) از واریانس متغیر افشای داوطلبانه را از طریق سازوکارهای حاکمیت شرکتی تبیین کرد. بر طبق نتایج به‌دست آمده، مندرج در جدول شماره ۳، اندازه هیأت مدیره با ضریب بتای معادل (β=۰/۶۳ و P=۰/۰۰۰۵) قادر به پیش‌بینی کیفیت سود است اما استقلال هیأت مدیره با ضریب بتای معادل (β=۰/۰۵ و P=۰/۴۶۰) قادر به پیش‌بینی کیفیت سود نیست. هم‌چنین، اندازه هیأت مدیره با ضریب بتای معادل (β=۰/۳۶ و P=۰/۰۰۰۵) قادر به پیش‌بینی افشای داوطلبانه است اما استقلال هیأت مدیره با ضریب بتای معادل (β=۰/۱۴ و P=۰/۰۹۱) قادر به پیش‌بینی افشای داوطلبانه نیست. در شکل شماره ۲ مدل اصلاح شده تأثیر متغیرهای برون‌زا (سازوکارهای حاکمیت شرکتی) بر متغیر واسطه‌ای (کیفیت سود و افشای داوطلبانه) بر اساس نتایج معالات ساختاری نشان داده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اندازه‌ی هیأت مدیره اثر مثبت بر کیفیت سود و افشای داوطلبانه دارد.

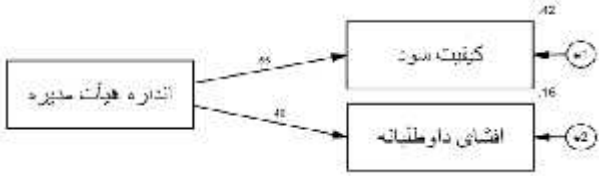
Archive of SID

www.SID.ir

جدول ۳: ضرایب تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی کیفیت سود و افشای داوطلبانه بر اساس سازوکارهای حاکمیت شرکتی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	B	β	t	P	R	R^2_{adj}
کیفیت سود	عرض از مبدأ	-۰/۲۲	-	-۶/۶۶	۰/۰۰۰۵	۰/۶۴۸	۰/۴۱۰
	استقلال هیأت مدیره	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۷۴	۰/۴۶۰		
	اندازه هیأت مدیره	۰/۰۶	۰/۶۳	۸/۸۶	۰/۰۰۰۵		
افشای داوطلبانه	عرض از مبدأ	۰/۱۱	-	۲/۳۴	۰/۰۲۱	۰/۴۲۰	۰/۱۶۳
	استقلال هیأت مدیره	۰/۰۴	۰/۱۴	۱/۷۰	۰/۰۹۱		
	اندازه هیأت مدیره	۰/۰۴	۰/۳۶	۴/۲۴	۰/۰۰۰۵		

شکل ۲: نمودار مسیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی به کیفیت سود و افشای داوطلبانه



۳) پیش‌بینی عدم‌تقارن اطلاعاتی بر اساس کیفیت سود و افشای داوطلبانه با کنترل سازوکارهای حاکمیت شرکتی

نتایج تحلیل‌ها به‌منظور بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی کیفیت سود و افشای داوطلبانه بر عدم‌تقارن اطلاعاتی با کنترل سازوکارهای حاکمیت شرکتی در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود بر اساس نتایج به‌دست آمده می‌توان ۱۰ درصد (R^2_{adj}=۰/۱۰۰) از واریانس متغیر عدم‌تقارن اطلاعاتی را از طریق کیفیت سود، افشای داوطلبانه و سازوکارهای حاکمیت شرکتی تبیین کرد. بر طبق نتایج به‌دست آمده، مندرج در جدول شماره ۴، افشای داوطلبانه با ضریب بتای معادل (β=-۰/۲۲ و P=۰/۰۲۲) قادر به پیش‌بینی عدم‌تقارن اطلاعاتی است. هم‌چنین، کیفیت سود با ضریب بتای معادل (β=-۰/۱۰ و P=۰/۳۶۱)، استقلال هیأت مدیره با ضریب بتای معادل (β=۰/۰۵ و P=۰/۵۶۴) و اندازه هیأت مدیره با ضریب بتای معادل (β=-۰/۱۵ و P=۰/۲۱۳) قادر به پیش‌بینی عدم‌تقارن اطلاعاتی نیستند. در شکل شماره ۳ مدل اصلاح شده‌ی رابطه عدم‌تقارن اطلاعاتی و کیفیت سود و افشای داوطلبانه با کنترل سازوکارهای حاکمیت شرکتی نشان داده شده است.

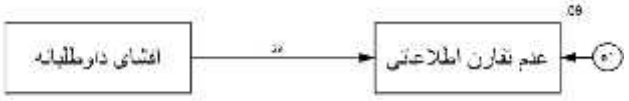
Archive of SID

www.SID.ir

جدول ۴: ضرایب تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی عدم‌تقارن اطلاعاتی بر اساس کیفیت سود، افشای داوطلبانه و سازوکارهای حاکمیت شرکتی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	B	β	T	P	R	R^2_{adj}
عدم‌تقارن اطلاعاتی	عرض از مبدأ	۸۶/۴۵	-	۴/۳۲	۰/۰۰۰۵	۰/۳۶۰	۰/۱۰۰
	استقلال هیأت مدیره	۴/۶۵	۰/۰۵	۰/۵۸	۰/۵۶۴		
	اندازه هیأت مدیره	-۵/۵۴	-۰/۱۵	-۱/۲۵	۰/۲۱۳		
	کیفیت سود	-۴۲/۴۶	-۰/۱۰	-۰/۹۲	۰/۳۶۱		
	افشای داوطلبانه	-۷۶/۹۲	-۰/۲۲	-۲/۳۳	۰/۰۲۲		

شکل ۳: نمودار مسیر افشای داوطلبانه به عدم‌تقارن اطلاعاتی با کنترل سازوکارهای حاکمیت شرکتی



۴) مدل نهایی پژوهش

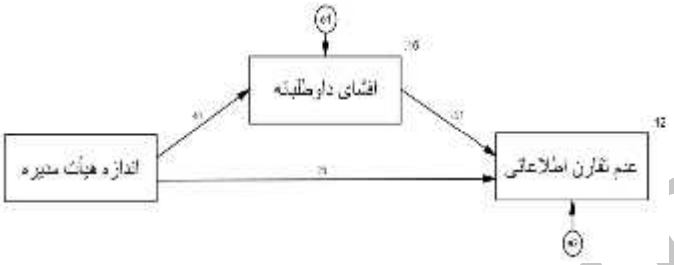
یکی از نکات مهم که در تحلیل مدل مطرح در شکل شماره ۳ اهمیت دارد، کاهش اثرات سازوکارهای حاکمیت شرکتی (استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره) یا به‌عبارتی متغیرهای برون‌زا با ورود کیفیت سود و افشای داوطلبانه به تحلیل است به‌طوری که متغیرهای سازوکارهای حاکمیت شرکتی از مدل خارج شده است. توجه به مدل‌های آورده شده در شکل‌های شماره ۱ و ۳ نشان می‌دهد که با ورود کیفیت سود و افشای داوطلبانه به تحلیل، اثرات مستقیم سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر عدم‌تقارن اطلاعاتی در برخی مسیرها کاهش یافته است؛ به‌طوری که اثر مستقیم تقلیل‌یافته‌ی سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ابعاد عدم‌تقارن اطلاعاتی چنان است که از مدل خارج شده است. در این مورد افشای داوطلبانه دارای سهم واسطه‌گری نسبی به‌عنوان میانجی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عدم-تقارن اطلاعاتی است.

شکل شماره ۴ مدل نهایی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی (اندازه هیأت مدیره) بر عدم‌تقارن اطلاعاتی با واسطه‌گری افشای داوطلبانه را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد (شکل شماره ۴ و جدول شماره ۴ را ببینید) ترکیبی خطی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی و افشای داوطلبانه، عدم‌تقارن اطلاعاتی را پیش‌بینی می‌کند که در این میان اندازه هیأت مدیره بر عدم‌تقارن اطلاعاتی هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم مثبت دارد.

Archive of SID

www.SID.ir

شکل ۴: نمودار مسیر نقش واسطه‌ای افشای داوطلبانه در رابطه بین اندازه هیأت مدیره و عدم‌تقارن اطلاعاتی



جدول۵: اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل معنی‌دار برای مدل نهایی اصلاح شده

متغیر پیش‌بین	اثرات مستقیم	متغیر رابط (ملاک)	اثرات غیرمستقیم	اثرات کل
اندازه هیأت مدیره	۰/۳۹۶	افشای داوطلبانه	-	۰/۳۹۶
اندازه هیأت مدیره	-۰/۲۰۴	عدم‌تقارن اطلاعاتی	-۰/۰۸۴	-۰/۲۸۸
افشای داوطلبانه	-۰/۲۱۳	عدم‌تقارن اطلاعاتی	-	-۰/۲۱۳

۵) برازش مدل نهایی پژوهش

در جدول شماره ۶ شاخص‌های مربوط به نیکویی برازش مدل‌ها آورده شده است. شاخص نیکویی برازش مدل GFI در این پژوهش ۰/۸۲۱ محاسبه شده است. شاخص PGFI در این مطالعه ۰/۶۴۲ محاسبه شده است و شاخص AGFI در این مطالعه ۰/۶۴۲ محاسبه شده است که نیکویی برازش مدل را مورد تأیید قرار می‌دهد. شاخص باقیمانده ریشه‌ی مجذور میانگین RMR در این پژوهش ۲/۱۹۹ محاسبه شده است که نشان‌دهنده برازش قابل قبول مدل است. شاخص هالتر CN در سطح آلفای ۰/۰۵ در این پژوهش ۲۷ و در سطح آلفای ۰/۰۱ در این پژوهش ۳۸ محاسبه شده است که با توجه به تعداد نمونه‌ی این مطالعه (۱۲۴ شرکت) حاکی از کفایت نمونه برای استناد به تحلیل‌های مربوط است. با توجه به شاخص‌های نیکویی برازش می‌توان گفت که مدل نهایی این پژوهش، نیکویی برازش مناسبی دارد.

جدول ۶: برازش مدل نهایی

RMR	GFI	AGFI	PGFI	HOELTRE	
				۰/۰۵	۰/۰۱
۲/۱۹۹	۰/۸۲۱	۰/۶۴۲	۰/۴۱۱	۲۷	۳۸

بحث و نتیجه‌گیری

پس از جدایی مدیریت از مالکیت و شکل‌گیری شرکت‌های سهامی مسأله عدم‌تقارن اطلاعاتی بین افراد درون‌سازمانی (مدیران) و افراد برون‌سازمانی (سهامداران) به یکی از اصلی‌ترین موضوعات پژوهش‌ها

Archive of SID

www.SID.ir

درآمده است. در همین راستا، این پژوهش با استفاده از داده‌های مربوط به ۱۲۴ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۵ به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که آیا افشای داوطلبانه و کیفیت سود بر رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی و عدم‌تقارن اطلاعاتی، نقش میانجی‌گری ایفا می‌کند؟

توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات جمع‌آوری شده نشان‌دهنده آن است که به‌طور کلی اندازه هیأت مدیره قادر به پیش‌بینی عدم‌تقارن اطلاعاتی است (رابطه منفی)؛ این نتیجه مطابق با دیدگاه سهامداران است. هم‌چنین، نتایج پژوهش نشان داد که اندازه هیأت مدیره تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت سود و افشای داوطلبانه دارد. هم‌چنین، شواهد موجود در این پژوهش بیانگر آن است که رابطه بین استقلال هیأت مدیره با عدم‌تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و افشای داوطلبانه از لحاظ آماری معنادار نیست. این نتایج با نتایج پژوهش‌های رحیمیان و همکاران [۴]، دستگیر و رسائیان [۳] و ثقفی و صفرزاده [۲] همخوانی داشته اما با پژوهش کارامانو و وافیس [۳۰] همخوانی ندارد. افزون‌بر این، نتایج نشان‌دهنده آن است که افشای داوطلبانه قادر به پیش‌بینی عدم‌تقارن اطلاعاتی است (رابطه منفی)؛ این نتایج با شواهد موجود در پژوهش‌های التردگه و همکاران [۲۲]، چانگ و همکاران [۱۶] و کورمیر و همکاران [۱۹] همخوانی دارد، اما متغیر کیفیت سود، عدم‌تقارن اطلاعاتی را تبیین نمی‌کند؛ این نتایج نیز با پژوهش احمدپورکاسگری و عجم [۱] همخوانی داشته اما با یافته‌های پژوهش‌های باتاچاریا و همکاران [۱۲] و کورمیر و همکاران [۱۹] همخوانی ندارد. نکته جالب توجه آن است که سازوکارهای حاکمیت شرکتی در کنار متغیرهای کیفیت سود و افشای داوطلبانه دارای رابطه معناداری با متغیر عدم‌تقارن اطلاعاتی نیست. بنابراین، مطابق با این یافته و بر اساس نتایج حاصل از مدل‌های پژوهش، افشای داوطلبانه دارای سهم واسطه‌گری نسبی به‌عنوان میانجی رابطه بین اندازه هیأت مدیره و عدم‌تقارن اطلاعاتی است اما متغیر کیفیت سود نقش میانجی‌گری در این خصوص ایفا نمی‌کند.

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که ترکیبی خطی از اندازه هیأت مدیره و افشای داوطلبانه، عدم‌تقارن اطلاعاتی را پیش‌بینی می‌کند؛ که در این میان اندازه هیأت مدیره بر عدم‌تقارن اطلاعاتی هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم مثبت دارد.

پیشنهادها

بر اساس این که شرکت‌ها در خصوص تغییر در تعداد اعضای هیأت مدیره خود دارای محدودیت هستند و با توجه به نتایج پژوهش حاضر مدیران شرکت‌ها می‌توانند برای بهبود عدم‌تقارن اطلاعاتی به جای تغییر در وضعیت اندازه هیأت مدیره، با افشای داوطلبانه اطلاعات باعث کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی شوند. به پژوهش‌گران آینده پیشنهاد می‌شود که در پژوهشی مشابه از معیارهای دیگری برای اندازه-گیری عدم‌تقارن اطلاعاتی (به‌عنوان نمونه، تعداد تجزیه و تحلیل‌کنندگان هر شرکت) و سازوکارهای حاکمیت شرکتی (به‌عنوان نمونه، ساختار مالکیت) استفاده کنند. هم‌چنین، پیشنهاد می‌شود همین پژوهش در سطح هر یک از صنایع نیز انجام شده و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود.

Archive of SID

www.SID.ir

فهرست منابع

۱. احمدپورکاسگری، احمد و مریم عجم، (۱۳۸۹)، "بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و عدم-تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه بورس اوراق بهادار**، شماره ۱۱، ص‌ص. ۱۰۷-۱۲۴.

۲. ثقفی، علی و محمدحسین صفرزاده، (۱۳۹۲)، "کیفیت سود و ویژگی‌های هیأت مدیره"، **فصلنامه دانش حسابرسی**، شماره ۴۴، ص‌ص. ۷۳-۹۴.

۳. دستگیر، محسن و امیر رسائیان، (۱۳۹۱)، "تأثیر برخی ابزارهای حاکمیت شرکتی بر عدم‌تقارن اطلاعاتی پیرامون اعلام سود فصلی با استفاده از روش خود بازگشت برداری"، **فصلنامه پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی**، دوره ۴، ص‌ص. ۶۳-۸۳.

۴. رحیمیان، نظام‌الدین، صالح‌نژاد، سید حسن و علی سالکی، (۱۳۸۸)، "رابطه‌ی میان برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عدم‌تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **حسابداری و حسابرسی**، شماره ۵۸، ص‌ص. ۷۱-۸۶.

۵. ستایش، محمدحسین، قربانی، اصغر و مریم گل محمدی، (۱۳۸۹)، "بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، شماره ۷، ص‌ص. ۱-۲۵.

۶. شوروزی، محمدرضا، مرادی، محسن و علی رستمی، (۱۳۹۱)، "رابطه اقلام تعهدی اختیاری و محافظه‌کاری حسابداری"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۱۵، ص‌ص. ۱۳۴-۱۵۷.

۷. کاشانی پور، محمد، رحمانی، علی و سید مهدی پارچینی پارچین، (۱۳۸۸)، "رابطه بین افشای اختیاری و مدیران غیرموظف"، **حسابداری و حسابرسی**، شماره ۵۷، ص‌ص. ۸۵-۱۰۰.

۸. مجتهدزاده، ویدا و حمیده اثنی عشری، (۱۳۹۱)، "رابطه کیفیت سود با نظام راهبری شرکتی و اصلاح قوانین و مقررات در شرکت‌های دولتی واگذار شده از طریق خصوصی‌سازی"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۱۵، ص‌ص. ۴۲-۵۹.

9. Atiase, R., (1985), "Predisclosure information, firm capitalization, and security price behaviour around earnings announcements", **Journal of Accounting Research**, Vol. 23, No. 1, pp.21-36.
10. Beasley, M. S., (1996), "An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud", **The Accounting Review**, Vol. 71, No. 4, pp.433-465.
11. Beaver, W., Eger, C., Ryan, S., and M. Wolfson, (1989), "Financial reporting, supplemental disclosures, and bank share prices", **Journal of Accounting Research**, Vol. 27, No. 2, pp.157-178.

Archive of SID

www.SID.ir

12. Bhattacharya, N., Desai, H. and K. Venkataraman, (2009), "Earnings quality and information asymmetry", Working paper, Edwin L. Cox School of Business, Southern Methodist University.
13. Botosan, C. A., (1997), "Disclosure level and the cost of equity capital", **The Accounting Review**, Vol. 72, No. 3, pp. 323-350.
14. Botosan, C. A. and M. Plumlee, (2002), "A re-examination of disclosure level and the expected cost of equity capital", **Journal of Accounting Research**, Vol. 40, No. 1, pp. 21-40.
15. Bowen, R. M., Burgstahler, D. and L. A. Daley, (1987), "The incremental information content of accrual versus cash flows", **The Accounting Review**, Vol. 62, No. 4, pp. 723-747.
16. Chang, M., D'Anna, G., Watson, I. and M. Wee, (2008), "Does disclosure quality via investor relations affect information asymmetry?", **Australian Journal of Management**, Vol. 33, No. 2, pp. 375-390.
17. Chen, C. J. P. and B. Jaggi, (2000), "Association between independent non-executive directors, family control and financial disclosures in Hong Kong", **Journal of Accounting and Public Policy**, Vol. 19, No. 4, pp. 285-310.
18. Chuang, L., Xiuhong, L. and L. Zhang, (2010), "Earnings quality and the agency costs of controlling shareholder", **International Conference on E-Business and E-Government**, pp. 5132-5135.
19. Cormier, D., Ledoux, M-J. and M. Magnan, (2012), "The moderating effect of voluntary disclosure on the relation between earnings quality and information asymmetry: some Canadian evidence". **International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation**, Vol. 8, No. 2, pp. 157-183.
20. Dechow, P. and I. Dichev, (2002), "The Quality of Accruals and Earnings: the Role of Accrual Estimation Errors", **The Accounting Review**, Vol. 77, pp. 35–59.
21. Diamond, D. and R. Verrecchia, (1991), "Disclosure, liquidity and the cost of capital", **Journal of Finance**, Vol. 46, No. 4, pp. 1325-1360.
22. Eng, L. L. and Y. T. Mak, (2003), "Corporate governance and voluntary disclosure", **Journal of Accounting and Public Policy**, Vol. 22, No. 4, pp. 325-345.
23. Ettredge, M., Richardson, V. J. and S. Scholz, (2002), "Dissemination of information for investors at corporate web sites", **Journal of Accounting and Public Policy**, Vol. 21, No. 4-5, pp. 357-369.
24. Fama, E. F., (1980). "Agency problems and the theory of the firm". **Journal of Political Economy**, Vol. 88, No. 2, pp. 288-307.
25. Fama, E. F. and M. C. Jensen (1983). "The separation of ownership and control". **The Journal of Law and Economics**, Vol. 26, No. 2, pp. 301-325.
26. Francis, J. R., Nanda, D. J., and P. Olsson (2008). "Voluntary disclosure, earnings quality and cost of capital". **Journal of Accounting Research**, Vol. 46, No. 1, pp. 53-99.
27. Fu, R., Kraft, A., and H. Zhang (2012). "Financial reporting frequency, information asymmetry, and the cost of equity". **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 54, pp. 132-149.

Archive of SID

www.SID.ir

28. Gietzmann, M. and M. Trombetta (2003). "Interacting accounting disclosures". **Accounting and Business Research**, Vol. 33, No. 3, pp. 187-206.
29. Healy, P. and K. Palepu (2001). "Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: a review of the empirical disclosure literature". **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 31, pp. 405-440.
30. Karamanou, I. and N. Vafeas (2005). "The association between corporate boards, audit committees, and management earnings forecasts: an empirical analysis". **Journal of Accounting Research**, Vol. 43, No. 3, pp. 453-485.
31. Lang, M. and R. Lundholm (1993). "Cross-sectional determinants of analyst ratings of corporate disclosures". **Journal of Accounting Research**, Vol. 31, No. 2, pp. 246-271.
32. Milgrom, P. R. (1981). "Good news and bad news: representation theorems and applications". **Bell Journal of Economics**, Vol. 12, No. 2, pp. 380-391.
33. Roberts, C. B. (1992). "Determinants of corporate social responsibility disclosure: an application of stakeholder theory". **Accounting, Organizations and Society**, Vol. 17, No. 6, pp. 595-612.
34. Sloan, R. (1996). "Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings?" **The Accounting Review**, Vol. 71, No. 3, pp. 289-315.
35. Venkatesh, P. C. and R. Chiang (1986). "Information asymmetry and the dealers bid-ask spread: a case study of earnings and dividend announcements". **The Journal of Finance**, Vol. 41, No. 5, pp. 1089-1102.
36. Verrecchia, R. (1983). "Discretionary disclosure". **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 5, No. 3, pp. 179-194.
37. Wilson, G. P. (1986). "The relative information content of accruals and cash flows: combined evidence at the earnings announcement and annual report date". **Journal of Accounting Research**, Vol. 24, No. 1, pp. 165-200.
38. Xie, B., Davidson, W., and P. DaDalt (2003). "Earnings management and corporate governance: the role of the board and the audit committee". **Journal of Corporate Finance**, Vol. 9, No. 3, pp. 295-316.

سایت رسمی www.iaaaar.com
تلفکس ۴۴۸۴۴۹۷۵ – ۴۴۸۴۴۷۰۵
پست الکترونیک iranianiaa@yahoo.com
سایت انجمن حسابداری ایرانwww.iranianaa.com

Archive of SID

www.SID.ir

Accounting & Auditing Studies, Autumn 2018, No. 39. pp. 21-36

The Mediate Effect of Voluntary Disclosure and Earnings Quality on the Relationship between Corporate Governance and Information Asymmetry

Gholamhossein Mahdavi (PhD)[1]
Professor, Department of Accounting, Shiraz University, Iran

Gholamreza Rezaei (PhD) [2]©
Ph.D. in Accounting, Shiraz University, Iran

(Received: 29 March 2016; Accepted: 23 May 2016)

The purpose of this research is to study the mediate effect of voluntary disclosure and earnings quality on the relation between corporate governance and information asymmetry of the companies listed on Tehran Stock Exchange (TSE). Research statistical population consists of 124 companies listed on the TSE during 2007 to 2013. Collected data was analyzed via SPSS-19 and also AMOS-20 and data was evaluated using path analysis. The results suggest that there is a negative significant relationship between board size and information asymmetry. In addition, there is a positive significant relationship between board size, earnings quality and voluntary disclosure. The results showed that there is no significant relationship between board independence, information asymmetry, earnings quality and voluntary disclosure. Also, there is a negative significant relationship between information asymmetry and voluntary disclosure. But, there is no significant relationship between earnings quality and information asymmetry. Also, a linear combination of board size and voluntary disclosure could predict information asymmetry. The results also indicated that voluntary disclosure mediated the relationship between board size and information asymmetry.

Keywords: Information Asymmetry, Earnings Quality, Voluntary Disclosure, Corporate Governance.

Archive of SID

[1] ghmahdavi@rose.shirazu.ac.ir ©(Corresponding Author)
[2] rezaac.1990@yahoo.com

www.SID.ir